



## فهرست

- ۱۳ ..... زمینه‌های نظری و تاریخی گذار به مردم‌سالاری
- ۴۱ ..... موج جدید نظریه‌های گذار به دموکراسی
- ۹۳ ..... زمینه‌های سیاسی و اجتماعی فروپاشی رژیم‌های غیردموکراتیک و گذار آن‌ها به دموکراسی
- ۱۲۳ ..... کارکردهای اپوزیسیون در گذار به دموکراسی
- ۱۵۷ ..... گذار به دموکراسی از چشم‌انداز بسیج سیاسی
- ۲۰۳ ..... گذار به دموکراسی از چشم‌انداز نظریه تصمیم‌گیری
- ۲۲۹ ..... وضع دولت رفاهی به عنوان پشتوانه دموکراسی
- در عصر جهانی شدن سرمایه‌داری
- ۲۵۳ ..... در آستانه آنومی سیاسی در ایران

امروزه مبحث نظری گذار به مردم‌سالاری و زمینه‌های اجتماعی آن مهم‌ترین مبحث در جامعه‌شناسی سیاسی به‌شمار می‌رود. و حتی می‌توان گفت که با توجه به اهمیت و دامنه گسترده این مبحث، جامعه‌شناسی سیاسی چیزی جز جامعه‌شناسی زمینه‌های گذار به مردم‌سالاری نیست. با افزایش شمار دموکراسی‌ها در دو دهه اخیر دامنه ادبیات و نظریه‌پردازی درباره گذار به مردم‌سالاری نیز به شیوه بی‌سابقه‌ای گسترش یافته است. این ادبیات دیگر چندان با مباحث فلسفی در باب معنا و مفهوم و یا امتیاز دموکراسی بر سایر نظام‌های سیاسی سروکاری ندارد. امروز فرض عمومی بر این است که همه آرمان‌ها و آمال‌غایی انسان که به ندرت یک‌جا گرد می‌آیند، از جمله نظم و امنیت، حکومت قانون، آزادی، برابری، رعایت حقوق فردی، پاسداری از مصلحت عمومی، عدالت، شادی و رفاه، پراکندگی قدرت، پیشرفت دانش، تولید ثروت، تأمین صلح، مدارا و تساهل، کثرت‌نگرایی، خودمختاری فردی، پاسداری از تنوعات اجتماعی، پایداری فضایل اخلاقی فردی و عمومی و سرانجام ایجاد فضای مناسب برای رسیدن به «حقیقت» از طریق نقد و انتقاد و آزمون و خطا، در حد امکان تنها در سایه نظام‌های مردم‌سالار تحقق‌پذیراند. ادبیات گذار به دموکراسی این‌گونه مباحث فلسفی را مفروض می‌گیرد و به جای آن تنها فرایندها و زمینه‌های گذار از رژیم‌های